آرمان ملی

روزنامه صبح ایران

شماره ۲۴۹۷

سال هشتم

دوشنبه

۲۰ • ۰۷ • ۱۴۰۵

۰۱ جمادی الاول ۱۴۴۸ / ۱۲ اکتبر ۲۰۲۶

اذان ظهر ۱۱:۵۲ اذان مغرب ۱۷:۵۰

اذان صبح (فردا) ۰۴:۴۶ طلوع آفتاب (فردا) ۰۶:۰۹

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: نیوه طاهری نیک

زیر نظر شورای سردبیری

نشانی: تهران، چهارراه یوسف‌آباد، خیابان فتحی شقاقی به‌سمت ولیعصر پلاک ۱۸، ساختمان آفتاب، واحد ۱

تلفن: ۰۲۱۸۸۱۰۵۰۰۷ دورنگار: ۰۲۱۸۸۱۰۵۳۴۱ آگهی های شهرستان: ۷-۰۲۱۴۴۰۱۴۸۰۵ - ۰۹۱۲۲۷۱۷۵۰۳

چاپ: همشهری «۲» تلفن: ۶۶۲۸۳۲۴۲

توزیع تهران و شهرستان: نشر گستر امروز ۶۱۹۳۳۳۳۳

نشانی اینترنتی: www.armanmeli.ir

آیین نامه اخلاق حرفه ای روزنامه آرمان ملی را در سایت بخوانید

غیر محرمانه

واکنش مجلس به ادعای ثابتی

ایمان شمسایی، رئیس مرکز ارتباطات، رسانه و امور فرهنگی مجلس شورای اسلامی، در واکنش به ادعای امیرحسین ثابتی درباره تعطیلی جلسات صحن مجلس با هدف حفظ جان محمدباقر قالیباف نوشت: آنچه باعث تعطیلی جلسات حضوری صحن شده حفظ جان رییس مجلس نیست. بلکه از نصاب نیفتادن پارلمان است. مجلس اگر از ۱۹۲ نماینده کمتر داشته باشد دیگر امکان برگزاری ندارد. لذا نباید یکجا همه جمع باشند. ولی با شهادت یا مرگ یک نماینده حالا در هر سطحی، دیگر نمایندگان می توانند جایگزین جایگاه حقوقی او در مجلس شوند اما چاره ی جبران افتِ نصاب، تنها انتخابات است.

کنایه تند مهاجری به مخالفان استارلینک

محمد مهاجری فعال رسانه‌ای اصولگرا نوشت: بیش از سه دهه قبل ویدئو کالای قاچاق بود و استفاده از آن جرم محسوب می شد. برای مبارزه با آن بگیر و ببند راه انداختند چند صباح دیگر در عملیات های متعدد، با راپل، بالای بام خانه ها رفتند و دیش های ماهواره را پرت کردند توی خیابان ها. دیری نگذشت سروکله فیلترینگ پیدا شد و خلق ا... برای دورزدن آن فیلترشکن خریدند و بعدا معلوم شد پولی که برای خریدن فیلترشکن می دهند سودش به جیب جماعتی می رود که هر روز یک دور تسبیح به محتوای اینترنت فحش می دهند و دو دور تسبیح هم به منتقدان فیلترینگ ناسزا می گویند.. حالا هم دیگ مقابله با استارلینک را بارگذاشته اند. کی؟ همان هایی که تا دیروز آش فیلترشکن فروش ها را هم می زدند!

توضیح قوه قضاییه درباره علت فوت امید قانونی

در پی فوت متهم امید قانونی در شهرستان خوانسار، رئیس کل دادگستری استان اظهار کرد: بر اساس گزارش واصله از ضابطان، متهم امید قانونی در شامگاه روز دوشنبه، سیزدهم مهرماه ۱۴۰۵، حین توزیع و فروش مواد مخدر و پس از صدور دستور قضایی توسط مأموران انتظامی، در روستای ارجنک خوانسار بازداشت شد. حجت‌الاسلام و المسلمین اسدا... جعفری گفت: وی روز چهارشنبه جهت رسیدگی و تفهیم اتهام به دادسرا اعزام و در ساعت یازده و پنجاه دقیقه، نامبرده ناگهان دچار ناراحتی معده و سپس بیهوش شد اما پس از اعزام به بیمارستان خوانسار، متأسفانه فوت کرد. وی افزود: تحقیقات تکمیلی در این خصوص ادامه دارد و انتشار برخی اخبار در این زمینه در فضای مجازی، کذب و خلاف واقع است.

ویژه

کشف ده‌ها ردپای دایناسور

یک دیرینه شناس و جانورشناس از نمایان شدن صخره‌ای حاوی ده‌ها ردپای منتسب به دایناسورها در ایران خبر داده و بر ضرورت بررسی علمی و مستندسازی فوری این آثار برای جلوگیری از آسیب به آنها تاکید کرده است.

به گزارش ایسنا، عرفان خسروی، دیرینه شناس و جانورشناس در پیامی که در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی ایکس منتشر کرده، از کشف صخره‌ای حاوی ده‌ها ردپای دایناسور در ایران خبر داده است.

این پژوهشگر در پیامی که در شبکه‌های اجتماعی ایکس منتشر کرده است، با اشاره به این‌که ردپاها بر اثر ریزش کوه از زیر رسوبات آشکار شده‌اند، نسبت به احتمال آسیب دیدن آنها بر اثر هوازدگی و فرسایش هشدار داده است.

به گفته وی، برنامه پژوهشی شامل بررسی و کاوش منطقه، قالب‌گیری از ردپاها و ثبت دقیق ساختار سه‌بعدی آن‌ها است؛ اقداماتی که می‌تواند به حفظ جزئیات ظریف این آثار و فراهم شدن امکان مطالعه دقیق‌تر شان کمک کند.

این دانش‌آموخته دانشگاه تهران توضیح داده است که فعالیت‌ها به صورت مستقل و غیردولتی دنبال می‌شود و روند بررسی و ثبت آثار، متناسب با امکانات موجود و با استفاده از روش‌های اجرایی مختلف ادامه خواهد یافت.

وی همچنین با اشاره به اهمیت جزئیات سه‌بعدی ردپاها برای بررسی نحوه تماس پا با بستر و سازوکار حرکت دایناسورها، بر ضرورت ثبت علمی و دقیق این ویژگی‌ها تأکید کرده است.

بر اساس این گزارش، در صورت فراهم بودن شرایط فنی و حقوقی، امکان ساخت و نصب نسخه‌ای بازسازی شده از دیواره برای کاربردهای آموزشی، نمایشی یا پژوهشی نیز بررسی خواهد شد؛ اقدامی که می‌تواند به معرفی بهتر این آثار و افزایش آگاهی عمومی درباره اهمیت آن‌ها کمک کند.

این پژوهشگر از علاقه‌مندان به دیرینه‌شناسی و مستندسازی میراث طبیعی خواسته است برای کسب اطلاعات بیشتر از طریق پیام خصوصی با وی تماس بگیرند.

کودکان، تماشاگران خاموش تاریخ نیستند..

عکس: سید خلیل موسوی ◆ عکسنامه



دریچه

به شادباش زادروز استاد شفیعی کدکنی

شفیعی کدکنی؛ نابغه عصر ما

حسن انوری

استاد زبان و ادبیات فارسی



آشنایی من با دوست، همکلاسی و یار دیرینم، استاد دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، به پاییز سال ۱۳۴۴ خورشیدی بازمی‌گردد. در آن سال، تغییر مهمی در ساختار آموزشی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران رخ داد. تا پیش از آن تاریخ، فارغ‌التحصیلان دوره لیسانس می‌توانستند مستقیماً وارد دوره دکتری شوند، اما در سال ۴۴ پذیرش مستقیم دکتری موقتاً متوقف شد و برای نخستین بار، دوره فوق‌لیسانس زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران بنیاد نهاده شد. در آزمون ورودی آن دوره، ۱۲ نفر پذیرفته شدیم که چهار نفر از برادران افغانستانی و هشت نفر ایرانی بودیم. ما هشت نفر ایرانی، هر یک از گوشه‌ای از این سرزمین پهناور به تهران آمده بودیم؛ من از تبریز آمده بودم و محمدرضا شفیعی کدکنی و دکتر علی رواقی از مشهد. دیگر همکلاسی‌های ما در آن دوره نخستین، چهره‌هایی چون دکتر جلیل تجلیل، دکتر محمدحسین مصطفوی، دکتر ابوالقاسم سری و خانم دکتر شمیس شریک امین بودند که بعدها همگی از مشاهیر و استادان برجسته ادب پارسی شدند. اما در میان این جمع نخبه، محمدرضا شفیعی کدکنی از همان روز نخست در صدر همه می‌درخشد.

درخشش در جلسات درس

از همان نخستین جلسات درس در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، تفاوت چشمگیر شفیعی کدکنی با دیگران بر همگان آشکار شد. از همان آغاز معلوم بود که او «تافته‌ای جدا بافته» است و ذهن، قریحه و توان پژوهشی او با دیگران تفاوتی بنیادی دارد. او با حافظه‌ای شگفت‌انگیز، احاطه‌ای وسیع بر متون کهن و اشراف کامل بر ادبیات عرب از مشهد آمده بود. کارنامه پژوهشی و آثار پرشماری که در طول شش دهه گذشته از او منتشر شد، همگی گواه و موید همین حقیقت است که شفیعی کدکنی یک ژن نادر، یک استعداد استثنایی و به واقع یک نابغه بی‌بدیل در حوزه فرهنگ و ادب فارسی است.

مکتب‌سازی با صور خیال

نخستین اثر پژوهشی مهمی که از او منتشر شد و جامعه ادبی ایران را تکان داد، کتاب گران‌سنگ «صور خیال در شعر فارسی» بود. این اثر که در اصل رساله دکتری او در دانشگاه تهران به راهنمایی استاد دکتر پرویز ناتل خانلری بود، بدون تردید یکی از بهترین، منسجم‌ترین و روش‌مندترین رساله‌های دکتری گذرانده‌شده در تاریخ دانشگاه تهران به شمار می‌رود. «صور خیال» تنها یک کتاب علمی ساده نبود، بلکه جریانی نو در پژوهش‌های ادبی ایران به راه انداخت. پس از انتشار این اثر، ده‌ها و صدها رساله فوق‌لیسانس و دکتری در دانشگاه‌های سراسر کشور با الهام از الگوی نظری و روش‌شناختی شفیعی کدکنی درباره صور خیال و تصویرپردازی شاعران گوناگون نوشته شد.

تصحیح متون و عرفان خراسان

بخش دیگری از کارنامه پربار شفیعی کدکنی که همواره تمجید محققان را برانگیخته، تصحیح متون ادبی و عرفانی است. تصحیح او از کتاب «اسرارالتوحید فی مقامات الشیخ ابی‌سعید» یکی از منزه‌ترین و بهترین نمونه‌های تصحیح متن در تاریخ پژوهش‌های فارسی محسوب می‌شود. او در ادامه این مسیر، با تصحیح «حالات و سخنان ابوسعید ابوالخیر» و آثار اخیری چون «چشیدن طعم وقت»، «دفتر روشنایی» (درباره بایزید بسطامی) و «نوشته بر دریا» (درباره ابوالحسن خرقانی)، الگویی والا و نو در پژوهش‌های عرفانی ارائه داد.

نگاه او به تصوف ایرانی، به‌ویژه مکتب عرفانی خراسان، از عالی‌ترین نمونه‌های تحقیقات متکی بر نقد ادبی مدرن و شناختی عمیق از تاریخ تفکر اسلامی است. همچنین کتاب «قلندریه در تاریخ» او نمونه‌ای بسیار چشمگیر و نمادین از پژوهش ژرف در زمینه لغت، تاریخ و ادبیات عرفانی است.

مرجع همیشگی موسیقی شعر

در حوزه نظریه‌پردازی ادبی و عروض و قوافی، کتاب «موسیقی شعر» شفیعی کدکنی جایگاهی ماندگار دارد. امروزه به جرئت می‌توان گفت کمتر مقاله، کتاب یا پژوهش علمی در مجلات دانشگاهی و تخصصی ادبیات فارسی در زمینه موسیقی درونی، بیرونی و معنوی شعر نوشته می‌شود که به این کتاب بنیادی استناد نکرده باشد.

همچنین کتاب «ادوار شعر فارسی» با وجود اختصار و ایجازش، یکی از پخته‌ترین و تحلیلی‌ترین آثار در زمینه تاریخ ادبیات و سیر تحول شعر پارسی است. پژوهش‌های شکوهمند او درباره سبک هندی و به‌ویژه کتاب «شاعر آینه‌ها» در بررسی شعر بیدل دهلوی، دیدگاه جامعه ادبی را نسبت به ظرافت‌های شعر این شاعر بزرگ به کلی دگرگون ساخت.

دایرةالمعارف مصاحب

یکی دیگر از فصل‌های درخشان و کمتر پرداخته‌شده در زندگی پژوهشی شفیعی کدکنی، همکاری او با مرحوم دکتر غلامحسین مصاحب در تدوین «دایرةالمعارف فارسی» است. مرحوم مصاحب که خود از دقیق‌ترین و بزرگ‌ترین دانشمندان و فرهنگ‌نویسان روزگار ما بود، ارزش علمی شفیعی جوان را به خوبی شناخت. از جلد دوم دایرةالمعارف مصاحب به بعد، نگارش و ضبط تمامی اصطلاحات ادبی، اعلام و مطالب مربوط به تاریخ ادبیات فارسی به دکتر شفیعی کدکنی واگذار شد (در حالی که در جلد نخست، این بخش بر عهده استاد دکتر عبدالحسین زرین‌کوب بود). مدخل‌های نوشته‌شده توسط او در این دانشنامه، نمونه‌ای از ایجاز، دقت و احاطه همه‌جانبه علمی است.

نثر زلال در ترجمه متون

شفیعی کدکنی علاوه بر پژوهش، تصحیح و شعر، در عرصه ترجمه نیز آثاری بس گران‌قدر از خود به یادگار گذاشته است. علاوه بر ترجمه‌هایی که از زبان انگلیسی انجام داده، شکوهمندترین کار او در حوزه ترجمه، برگرداندن کتاب «البدء و التاریخ» نوشته مطهر بن طاهر مقدسی از زبان عربی به فارسی با عنوان «آفرینش و تاریخ» است. او این متن کهن و پیچیده عربی را با نثری چنان فاخر، روان، زلال و استوار به فارسی درآورده که خود به یک شاهکار ادبی مستقل در زبان فارسی بدل شده است.

پیوند نگاه قدمایی و نو

اگر بخواهیم راز موفقیت و جامعیت علمی شفیعی کدکنی را در یک نقطه خلاصه کنیم، آن راز در تلفیق هنرمندانه دو دیدگاه نهفته است: نخست، نگاه قدمایی که حاصل خوانش دقیق متون کهن فارسی و عربی، تسلط بر علوم حوزوی و تلمذ در محضر استادان بزرگی چون بدیع‌الزمان فروزانفر، جلال‌الدین همایی و پرویز ناتل خانلری در دانشگاه تهران است؛ و دوم، نگاه نو و تفکر نقادانه مدرن که از مکاتب ادبی و نقد غربی الهام گرفته است. او با درآمیختن این دو منظر، نقد ادبی ایران را به اوجی تازه رساند.

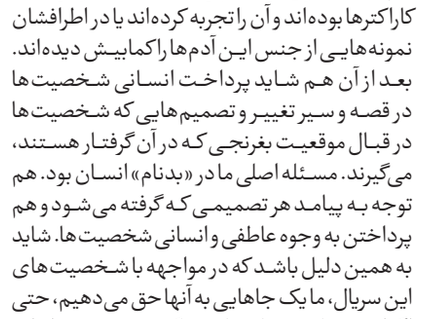
تأسی به شیوه قزوینی

نکته اخلاقی و روش‌شناختی مهمی که در تمام سال‌های دوستی با شفیعی کدکنی نظاره‌گر آن بوده‌ام، شیوه پژوهشی اوست. شفیعی کدکنی با وجود داشتن حافظه‌ای فوق‌العاده قوی و نیرومند، هرگز در ارجاعات علمی به حافظه خود اتکا نمی‌کند. او در تمام امهات کارهای پژوهشی‌اش، سنت فرخنده و دقیق علامه محمد قزوینی را به کار می‌بندد؛ یعنی با وجود استحضار ذهنی، برای نگارش هر مطلب و ارجاع علمی، مستقیماً به اصل متون و منابع دست اول مراجعه می‌کند و سنجیده و روش‌مند می‌نویسد. بیش از شصت سال از آن روزی که در پاییز سال ۱۳۴۴ در صحن دانشکده ادبیات دانشگاه تهران با محمدرضا شفیعی کدکنی آشنا شدم می‌گذرد. در تمام این سال‌ها، او نه تنها دوستی مشفق و همکلاسی ارجمند برای من، بلکه سرمایه‌ای بی‌بدیل و نمادین برای فرهنگ و ادب ایران‌زمین بوده است. وجود مبارک او خورشیدی است که روشنی‌بخش راه جویندگان دانش است و کارنامه علمی‌اش تا همواره تاریخ، سندی بر عظمت و بالندگی زبان و ادب پارسی خواهد بود.

منبع: ایسنا

نکته

«بدنام» ادامه ندارد



«بدنام» پس از نزدیک به هفت ماه و در قسمت ۲۷ به پایان رسید؛ سریالی که در کنار جذب مخاطب، بحث‌ها و نقدهای متفاوتی را نیز به همراه داشت. احسان سجادی حسینی. کارگردان این سریال. پس از پخش آخرین قسمت در گفت‌وگویی با ایسنا، درباره اولین تجربه کارگردانی‌اش، شخصیت‌های قصه، واکنش مخاطبان و منتقدان، نقش موسیقی و تدوین، تأثیر شرایط اجتماعی و جنگ بر روند تولید و همچنین نگاهش به آینده صحبت کرده است.

مسأله اصلی ما انسان بود

سجادی حسینی درباره مهم‌ترین عامل دیده‌شدن «بدنام» توضیح داد: «به نظرم اول از همه خود قصه بود؛ بسیاری از مردم با کاراکترهای سریال هم‌ذات‌پنداری کردند؛ چراکه یا شخصا در موقعیت کاراکترها بوده‌اند و آن را تجربه کرده‌اند یا در اطرافشان نمونه‌هایی از جنس این آدم‌ها را کمابیش دیده‌اند. بعد از آن هم شاید پرداخت انسانی شخصیت‌ها در قصه و سیر تغییر و تصمیم‌هایی که شخصیت‌ها در قبال موقعیت بغرنجی که در آن گرفتار هستند، می‌گیرند. مسئله اصلی ما در «بدنام» انسان بود. هم توجه به پیامد هر تصمیمی که گرفته می‌شود و هم پرداختن به وجوه عاطفی و انسانی شخصیت‌ها. شاید به همین دلیل باشد که در مواجهه با شخصیت‌های این سریال، ما یک جاهایی به آنها حق می‌دهیم، حتی اگر از خودمان عصبانی باشیم که چنین حقی را برای آن کاراکتر قائل می‌شویم.»

کارگردان «بدنام» هدف اولیه سریال را سرگرمی و بعد درگیر کردن ذهنی مخاطب دانست و گفت: «به نظرم وظیفه اول فیلم و سریال و در کل قصه‌گویی، به هر نحوی، اول از همه سرگرم کردن مخاطبش است و بعد، اگر رسالتی فیلمساز برای خودش تعیین کرده، پرداختن به آن. برای سازندگان «بدنام» نیز در اول از همه سرگرم شدن مخاطب مد نظر بود و در هدف‌گذاری بعد از آن شاید پرداختن به مقوله انسان و عشق و به چالش کشیدن مخاطب در قبال تصمیم‌هایی است که در زندگی می‌گیرد و حرف‌هایی که در شرایط مختلف می‌زند، مهم بوده است. خیلی از نقدها را هم قبول داریم اما از ابتدا هیچ ادعایی در مورد کار نداشتیم و فقط می خواستیم تعداد زیادی از مخاطبان را جذب و سرگرم کنیم که فکر می‌کنم با توجه به آمارهای رسمی و غیررسمی تعداد مخاطبانمان این کار را انجام دادیم.»

داستان ما ساده بود

سجادی حسینی که پیش از «بدنام» به عنوان اولین تجربه کارگردانی‌اش، در سریال‌های زیادی به عنوان دستیار کارگردان حضور داشته از بین ویژگی‌های ساخت این سریال یک ویژگی خاص را جدا می‌کند: «تلاش و تاکید بر سادگی در همه چیز، این انتخابی بود که حامد عنقا به عنوان تهیه‌کننده و نویسنده سریال تاکید زیادی روی آن داشت و بلافاصله تبدیل به خط مشی ما در بخش‌های مختلف شد. ما «بدنام» را در همه زمینه‌ها ساده ساختیم، این سادگی به معنای دوری از پیچیدگی ساختار، بازی‌ها و قاب‌ها است و حتی در پس تولید هم به تدوینگر و سازنده موسیقی سریال هم همین تاکید را کردیم. این سادگی نیاز بود، چون داستان ما ساده بود و نمی خواستیم با ویترین‌سازی مخاطب را فریب بدهیم. و شاید یکی از دلایلی که پرمخاطب شدیم همین بود که یک داستان ساده را کاملا ساده روایت کردیم. هدف ما هم از ابتدا ساخت یک کار عامه‌پسند بود تا مخاطب از هر طیفی بتواند پای تماشای آن بنشیند و هر از کاری که باعث گیج شدن مخاطب یا باعث از دست رفتن مختصات قصه و شخصیت‌ها بود اجتناب کردیم.»

سجادی حسینی درباره نقدهایی که در طول پخش «بدنام» مطرح شد نیز نگاه خود را این‌گونه توضیح داد: «با توجه به اینکه هر آدمی دیدگاه و نگرش خودش را به زندگی دارد و بر اساس آن نقد و نظرش را مطرح می‌کند، به گمانم همه نقدهایی که به سریال شد هم از زاویه‌ای می‌تواند منصفانه بوده باشد. اما در کل، نقد باید مثل ساختن خود اثر، بدون قضاوت‌های فرامتن باشد؛ آن وقت اسمش منصفانه خواهد بود. به هر حال، من هم اولین تجربه‌ی کارگردانی یک سریال حتما اشکالاتی داشتم و این‌ها نقدهای درستی بوده‌اند. اما خب، متأسفانه نقدهایی هم از روی سودجویی و مطرح کردن خود در فضای مجازی نیز وجود داشت که آنها را از جایی به بعد، خود مردم، یعنی مخاطبان «بدنام»، جواب می‌دادند.

پایان «بدنام»

اما سجادی حسینی به عنوان نکته در این گفت‌وگو درباره ساخت فصل دوم سریال «بدنام» که در خبرها اعلام شده بود نیز گفت: «این خبر شایعه‌ای بیش نبود. سریال فصل دو ندارد. از ابتدا هم قرار نبود داستان فعلی ادامه پیدا کند ولی خب برنامه ریزی اولیه ما پخش این ۲۷ قسمت در دو فصل مجزا و با ترتیب روایی دیگری بود که به دلایلی اتفاق نیفتاد ولی اینکه داستان «بدنام» بخواهد ادامه‌ای داشته باشد، خیر چنین خبری صحت ندارد.»